

آنچه یک چهره پرداز باید بداند!

□ آرزو لطفی

مبحث ۱: تعریف چهره‌پردازی

۱ - واژه گریم در زبان فرانسه از سال ۱۷۷۸ میلادی به کار گرفته شد.

۲ - گریم "Grime" به معنای ادا - شکلک - صورتک و یا نقش یک پیر مسخره از مصدر گریمه "Grimer" به معنای خطوط پیری بر چهره انداختن است.

۳ - گریم به معنای آراستن چهره برای تئاتر و سینما است و صفت عالی آن گریمور "Grimeur" می‌باشد.

گریم به معنای چهره‌سازی و القای نقش از طریق حالت چهره به تماشاگر است که البته از طرفی گریم باعث حس بهتر بازی از طرف بازیگر می‌شود و بازیگر با گریم بهتر می‌تواند نقش خود را ایفا کند.

۴ - گریم در لفظ فارسی به کلمات چهره پردازی - بزک ترجمه شده است.

۵ - گریم در ردیف هنرهای نمایشی ظریف محسوب می‌شود و بر پایه نقاشی و مجسمه‌سازی بنا شده است.

۶ - گریم به معنای چهره‌سازی و القای نقش از طریق

حالت چهره به تماشاگر است که البته از طرفی گریم باعث حس بهتر بازی از طرف بازیگر می‌شود و بازیگر با گریم بهتر می‌تواند نقش خود را ایفا کند.

۷ - گریم پوشش چهره بازیگر است و به هر گونه آرایش چهره و سر و روی برای اجرای یک نقش در یک بازی گفته می‌شود.

۸ - بوم گریمور چهره بازیگر است، گریمور با رنگ آمیزی چهره به کمک قلم مو و با ایجاد خطوط سایه و روشن شخصیتی را بر چهره بازیگر می‌آفریند و گاهی نیز با تغییر دادن اعضای چهره با خمیرهای مخصوص عملیاتی مشابه مجسمه‌ساز انجام می‌دهند. (۱)

مبحث ۲: دلایل استفاده از چهره‌پردازی

۱ - گریم بازیگر را به ارائه شخصیت‌های مورد نظر کارگردان قادر ساخته و تماشاگر را به خصوصیات شخصیت واقف می‌نماید.

۲ - گریم باعث می‌شود تا بازیگر چهره‌ای متفاوت نسبت به دیگران داشته باشد.

۳- با کمک گریم یعنی با تغییر شکل دادن بازیگر به کمک رنگ آمیزی چهره، مو و به کار بردن ماسک نقش تأثیر بیشتری خواهد داشت.

۴- گریم بازیگر را قادر به ایفای نقش‌هایی می‌نماید که بدون استفاده از گریم خصوصیات جسمانی یا چهره‌ای بازیگر می‌تواند مانعی جدی برای ارائه نقش به صورت کامل باشد.

۵- گریم‌ور با شخصیت بخشیدن به چهره بازیگر او را در اجرای نقش یاری می‌دهد و در واقع گریم مکمل کار بازیگر است.

۶- به علت تابش نور پروژکتورها چهره فرد بی‌رنگ و مسطح می‌شود و خطوط چهره نامشخص به نظر می‌رسد گریم‌ور بر چهره بازیگر رنگ طبیعی می‌بخشد و خطوط چهره را مانند خطوط چشم‌ها، ابروها و ... مشخص می‌نماید.

۷- گریم برای بهتر نشان دادن حجم‌ها، خطوط و میک چهره بازیگر به تماشاگر انجام می‌گیرد.

۸- در بعضی از هنرها (بدون گریم) معنایی ندارد مثل نمایش کاتا کالی در هنر تئاتر و یا بعضی اوقات افکت‌های گریم بسیار ضروری هستند مانند محل گلوله خوردن.

۹- در هنر سینما، تلویزیون و عکاسی عمل تصحیح (correction) در مقابل دوربین که بسیار از چشم انسان دقیق‌تر است واجب و ضروری است مثل روتوش یک عکس بعد از عکاسی که در فیلم و تلویزیون قبل از

فیلمبرداری صورت می‌گیرد.

۱۰- هدف اصلی در گریم صحنه این است که صورت بازیگر در مقابل تماشاگران در زمینه اجرا و طراحی آن و در سالی که اجرا جریان دارد به نظر قابل قبول بیاید و نه لزوماً طبیعی.

۱۱- طراح گریم می‌تواند طوری گریم را طراحی کند که برای بازیگر کمک فوق‌العاده‌ای باشد و راه‌های دستیابی بر تأثیرهای معین را نشان دهد.

۱۲- هر خط و هر جزء گریم اگر به درستی به کار گرفته شود منطق ساختاری استواری را در پس خود خواهد داشت.

۱۳- گریم می‌تواند هر کمبود و عدم توازن را که به دلیل زاویه و یا جهت نورپردازی پدید می‌آید جبران کند. ۱۴- گریم جزئیاتی را که از فاصله دور دیده نمی‌شود می‌تواند غلو و یا بزرگ کند و بر طبیعی بودن چهره نیز می‌تواند تأکید داشته باشد.

۱۵- گریم چهره را تغییر داده و دگرگون می‌سازد و یک وسیله کمکی برای حرکات، رفتار و بیان بازیگر است. (۲)

مبحث ۳: انواع چهره‌پردازی

۱- گریم به چند گروه اصلی تقسیم می‌شود، این گروه‌ها شامل ساده، شخصیت گرفته، سبک گرفته و فانتزی است. (دو گروه آخر به تعداد قابل توجهی در خط‌های معینی بر هم منطبق‌اند).

۲- گریم شخصیت گرفته حیطة وسیعی را در بر

می‌گیرد، تبدیل ظاهر صورت به پیرتر، چاق‌تر، لاغرتر، تغییر دادن شخصیت تا به نظر بد یا خوب بیاید یا حتی تغییر دادن ملیت یا نوع نژاد.

۳- گرم سبک گرفته از یک طبیعت اغراق شده شروع و تا یک گرم فانتزی ختم می‌شود و بسیاری از انواع دیگر گرم را شامل می‌شود این نوع گرم هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که سبک و طرح نمایش نسبت به شخصیت افراد نمایش ارجحیت داشته باشد و شخصیت‌سازی در مرحله دوم کار مطرح شود. تئاترهای سنتی چینی و ژاپنی مثالهایی هستند برای شکل به غایت رسیده این نوع گرم، بازیگران از نوع سنتی گرم استفاده می‌کنند، دستورهای ثابتی برای شکل و رنگ و تماشاگران از روی گرم این بازیگران به نوع شخصیت آنها در نمایش پی می‌برند این سنت در طی گذشت زمانی طولانی بوجود آمده است و بعضی از نمونه‌هایش که احتمالاً بیشتر فانتزی باید نامیده شود تا سبک گرفته این مسئله را به خوبی مشخص می‌کنند در غرب این نمونه‌ها بیشتر به کار مطالعه می‌آید مگر اینکه نمایش یا اپرایی را به سبک کم و بیش شرقی بخواهند روی صحنه بیاورند.

۴- گرم از نقطه نظر تکنیک اجرای نمایش به انواع گرم سینما - تلویزیون - تئاتر - اپرا و باله - عکاسی تقسیم می‌شود.

۵- گرم سینما نسبت به گرمهای دیگر باید بسیار طبیعی انجام بگیرد زیرا در تصاویر سینمایی چهره یک

انسان چند برابر اندازه طبیعی خود می‌شود.

گرم سبک گرفته از یک طبیعت اغراق شده شروع و تا یک گرم فانتزی ختم می‌شود و بسیاری از انواع دیگر گرم را شامل می‌شود این نوع گرم هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که سبک و طرح نمایش نسبت به شخصیت افراد نمایش ارجحیت داشته باشد و شخصیت‌سازی در مرحله دوم کار مطرح شود. تئاترهای سنتی چینی و ژاپنی مثالهایی هستند برای شکل به غایت رسیده این نوع گرم

۶- گرم تئاتر بسیار غلو شده است زیرا به دلیل دور بودن تماشاگر از صحنه و اینکه چهره بازیگر هیچ گونه درشت‌نمایی ندارد باید گرم بسیار غلیظ باشد.

۷- در تلویزیون گرم کمی غلیظتر از سینما است در حالی که از گرم تئاتر بسیار کمتر است، در اپرا و باله گرم فانتزی اما با رنگ‌های شفاف است و در عکاسی کار روتوش بعد از گرفتن عکس را می‌کند.

۸- گرم از نظر نوع اجرای خود به دو دسته متعادل‌سازی (correction) و نامتعادل‌سازی تقسیم می‌شود.

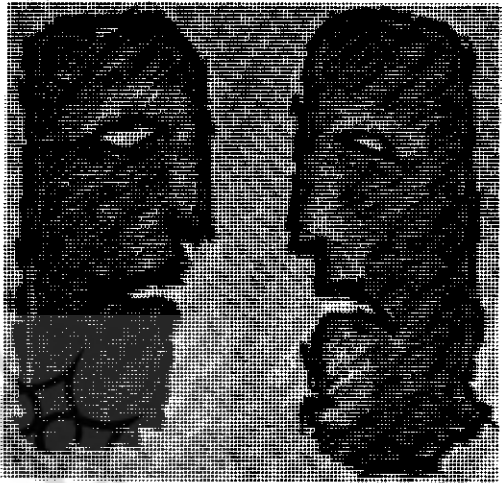
۹- گرمهای متعادل‌سازی معمولاً برای عکاسی به جای روتوش و در موارد دیگر استفاده از گرم مثل سینما یا تلویزیون یا تئاتر برای ایفای نقشهای مثبت به کار

می‌رود یعنی تمامی اعضای صورت بطرف تعادل می‌رود.

چهره می‌زدند.

۲ - در طول زمان هم چنین چهره‌پردازی را نزد مصریان باستان می‌توان مشاهده کرد که عمدتاً اطراف چشمان را با رنگهای سبز و خطوط سیاه رنگ آمیزی می‌نمودند.

۳ - آفریقاییان نیز علاوه بر به کار بردن رنگ‌های شاد و زنده برای چهره سر را با پره‌های رنگی تزیین می‌کردند و در آینه‌های خود ماسک‌هایی بزرگ و الوان بر چهره می‌زدند.



ریشه و اصل پیدایش چهره‌پردازی را در دورانهای ابتدایی، در مراسم آیینی می‌توان جست در این مراسم از چهره‌پردازی به شکل بسیار ابتدایی استفاده می‌شده است، چهره‌ها را با رسوب مختلف، رنگ‌های معدنی و یا عصاره گیاهان رنگ آمیزی می‌کردند و گاه ماسک‌هایی که از پوست درختان تراشیده شده بود بر چهره می‌زدند.

۴ - همچنین سرخپوستان با به کار بردن رنگ‌های مختلف بر چهره و تزیین سر با پره‌های رنگی و ماسک‌هایی با رنگ‌های بسیار شادم گریم را در زندگی آیین‌های خود به کار می‌بستند.

۵ - یونان: در این دوره چهار نوع نمایش عمده وجود داشت: الف - تراژدی ب - کمدی ج - ساتیر د - میم یا می‌موس، در تراژدی ابتدا از دُرد شراب و

۱۰ - گریم نامتعادل‌سازی کاملاً عکس مورد بالا عمل می‌کند و برای نقش‌های منفی به کار می‌رود و عیوب چهره بارزتر می‌شود. (۳)

مبحث ۴: تاریخچه چهره‌پردازی

۱ - ریشه و اصل پیدایش چهره‌پردازی را در دورانهای ابتدایی، در مراسم آیینی می‌توان جست در این مراسم از چهره‌پردازی به شکل بسیار ابتدایی استفاده می‌شده است، چهره‌ها را با رسوب مختلف، رنگ‌های معدنی و یا عصاره گیاهان رنگ آمیزی می‌کردند و گاه ماسک‌هایی که از پوست درختان تراشیده شده بود بر

چسباندن برگ برای تغییر دادن چهره استفاده می‌شد ولی بعدها از صورتک استفاده کردند. در درام ساتیر نیز بازیگران صورتک بر چهره می‌نهادند. کمندی در یونان به سه شکل اجرا می‌شد الف - کمندی قدیم ب - کمندی جدید ج - کمندی ساتیر (هجوآمیز) که در تمامی انواع کمندی ماسک بر چهره بازیگر بود. در میم یا می موس که نوعی کمندی رئالیستی بود هم بازیگران صورتک بر چهره می‌زدند.

۶ - رم: در نوع کمندی از صورتک‌هایی بزرگتر از حد طبیعی و با خطوط و اعضای چهره غلو شده رایج بود، در نمایشهای تراژدی بازیگران صورتک بر چهره می‌زدند که این صورتک‌ها طبیعی بودند. میم نیز در رم با صورتک همراه بود.

۷ - قرون وسطی: در این زمان بازیگران نمایش‌های معجزه و اخلاقی از گریم چهره استفاده می‌کردند، چهره قدسیس و فرشتگان را با آرد سفید و چهره شیطان را سیاه می‌نمودند، برای مالکین دوزخ از صورتک و پوشش سراسری با شکلی غیرواقعی و تخیلی استفاده می‌شد. در نمایشهای کمندی مضحک این دوره بازیگران اغلب از لباسهای رنگارنگ و زننده و صورتک‌های حیوانات مختلف مانند میمون، خرس، بز، الاغ و غیره استفاده می‌کردند و گاهی ماسک‌هایی با خطوط مسخره بر چهره می‌گذاشتند.

۸ - رنسانس: از نمایش‌های مشهور این دوره می‌توان کمندی دلآرته را نام برد که دو دسته شخصیت

اغراق‌آمیز و طبیعی داشت، شخصیت‌های اغراق‌آمیز از صورتک‌های نیمه و شخصیت‌های طبیعی از گریم ساده که شامل مالیدن آرد سفید بر چهره بود استفاده می‌کردند و بازیگر زن گونه‌ها و لب‌هایش را قرمز می‌نمود.

۹ - قرن شانزدهم (آثار شکسپیر): در این دوره بازیگران چهره را با آرد سفید می‌کردند، گونه‌ها و لب‌ها را با رنگ قرمز رنگ‌آمیزی می‌نمودند برای پیر نشان دادن چهره موها را با آرد نشاسته سفید می‌کردند و ریش و سبیل را از پشم حیوانات تهیه می‌دیدند. هم چنین از خمیر آرد و چسب گیاهی برای تغییر دادن شکل بینی به فرم‌های مختلف استفاده می‌کردند. پوسته‌های طاسی سر را از پارچه و یا پوست حیوانات می‌ساختند، کلاه گیس به رنگ‌های مختلف با موهایی از یال اسب و یا پشم حیوانات دیگر در تغییر شکل دادن به کار گرفته می‌شد و این مجموعه سبکی از گریم را به نام «گریم کلاسیک» پدید آورد و در این دوره صورتک‌هایی نیمه به رنگ چهره و یا صورتک‌هایی کامل و سراسری به شکل انسان، حیوانات و پرندگان مورد استفاده بود.

۱۰ - قرن هفدهم: در این زمان هنر تئاتر از فضای بیرونی به فضای داخلی کشیده شد و بنابراین به دلیل نبودن نور کافی برای صحنه به روشن کردن بیشتر چهره‌ها توسط گریم و شخصیت‌سازی توجه بیشتری گردید. در این دوره بازیگر زن برای گریمی ساده چهره را با پودر سفید می‌نمود و با رنگ اسپانیایی قرمز گونه‌ها و لب را رنگ‌آمیزی می‌کرد و چشم‌ها را درشت و ابروها را به

شکل هلال با فاصله از چشم‌ها ترسیم می‌کرد و لبها را از حد طبیعی کوچکتر می‌ساخت. در ایتالیا و اسپانیا بازیگر زن موها را با مروارید تزئین می‌نمود و موهای بلوند را بر حسب نقش با پودر سیاه رنگ می‌نمودند. بازیگر مرد نیز مانند بازیگر زن چهره را سفید می‌کرد و گونه‌ها را با رنگ قرمز کم رنگ رنگ آمیزی می‌نمود او از کلاه گیس، ریش و سبیل مصنوعی نیز استفاده می‌کرد و کلاه گیس‌ها را با پودرهای معطر نشاسته رنگ آمیزی می‌نمودند. از سال ۱۶۴۰ بطور کلی مردان از کلاه گیس‌های تئاتر از پشم بز و یال اسب بافته می‌شد رنگ کلاه گیس‌ها اغلب قرمز حنایی و بلوند طلایی بود.

قرن هفدهم: در این زمان هنر تئاتر از فضای بیرونی به فضای داخلی کشیده شد و بنابراین به دلیل نبودن نور کافی برای صحنه به روشن کردن بیشتر چهره‌ها توسط گریم و شخصیت‌سازی توجه بیشتری گردید.

در اواخر قرن بازیگر زنی که در نقش بانویی مشخص ظاهر می‌شد چهره را پودر روشن می‌زد و بر آن اشکالی مانند ستاره، ماه و قلب کوچک از جنس پارچه ساتن یا ابریشم و تافته سیاه می‌چسباند. با چسباندن یک خال نیز بر گونه فرورفتگی ایجاد می‌کرد و موها را با گل‌های مصنوعی تزئین می‌کرد و همچنین از صورتک‌های پنجه و سر تا سری حیوانات و پرندگان نیز استفاده می‌کردند. در این عصر در دربار انگلستان بالماسکه‌هایی باشکوه برپا

می‌شد که چهره‌ها را در این جشنها برای به نمایش گذاردن نژادهای مختلف، شخصیتهای تاریخی مشهور و شخصیتهای مسخره تغییر می‌دادند.

بازیگر مرد برای چهره از همان خمیر و پودر سفید استفاده می‌کرد، گونه و لبها را با قرمز کم رنگ، رنگ آمیزی می‌کرد و از کلاه‌گیس سفیدی که موهای آن در پشت سر بوسیله روبان ابریشم بسته شده بود استفاده می‌کرد.

۱۱ - **قرن هیجدهم:** بازیگر زن در این دوره برای گرمی ساده، چهره را با یک نوع خمیر سفید و پودر سفید رنگ می‌زد، روی گونه‌ها را به طرف پایین چهره تا فک با رنگ گونه چرب قرمز رنگ آمیزی می‌کرد و رگهای پیشانی را با رنگ آبی کم رنگ مشخص می‌کرد، خالهای متعددی بر چهره می‌گذاشت، کلاه گیس‌های بسیار پف‌دار با مدلهای مختلف بر سر می‌نهاد و آنرا با پودر سفید رنگ آمیزی می‌کرد و برای تزئین موها از پره‌های بلند، گل و روبان استفاده می‌نمود. بازیگر مرد برای چهره از همان خمیر و پودر سفید استفاده می‌کرد، گونه و لبها را با قرمز کم رنگ، رنگ آمیزی می‌کرد و از کلاه گیس سفیدی که موهای آن در پشت سر بوسیله روبان ابریشم بسته شده بود استفاده می‌کرد. در این قرن کلاه گیس‌های رنگی که با پودرهای معطر دودی، صورتی، آبی، بلوند و غیره رنگ آمیزی شده بود کاربرد فراوانی داشت از ریش و سیل‌های مصنوعی زیاد استفاده

می‌شد و همچنین از صورتکهای نیمه و سراسری حیوانات و پرندگان. در فرانسه چون بازیگر زن از کلاه گیس‌های بسیار بزرگ استفاده می‌کرد که مانع دید برای تماشاگر بود، مدل مویی مخصوص بازیگران زن طراحی شد، که موها جمع‌تر و کوچکتر از گذشته بود.

۱۲ - قرن نوزدهم: در این دوره از گریم و شخصیت‌سازی بر چهره استفاده فراوان می‌کردند. بازیگر زن برای گریمی ساده چهره را روشن کرده، هلال ابروان را کوتاه می‌کشید، لبها را کوچک و به شکل قلب ترسیم می‌نمود، روی گونه و لبها را با رنگ قرمز کم رنگ رنگ آمیزی می‌کرد، موها را در بالای سر جمع می‌کرد با حلقه موهای ریز و درشت اطراف چهره را تزیین می‌نمود. بازیگر مرد برای گریمی ساده چهره را سفید کرده و گونه‌ها را قرمز و لبها را با زرشکی کم رنگ، رنگ آمیزی می‌نمود، موهای بازیگر مرد مجعد کوتاه همراه با دوپت در کنار گوشها بود، برای بازیگران در نقشهای مختلف از کلاه گیس و ریش و سیل‌های مختلف استفاده می‌شد. برای پیر کردن موها را با پودر سفید می‌کردند. نوعی گریم چهره بازیگر زن در این زمان متداول گشت که در خارج از صحنه نیز از آن به عنوان مد پیروی می‌گردید (چهره را با پودر سفید رنگ پریده می‌نمودند، زیر چشمها را با رنگ دودی تا روی گونه‌ها رنگ آمیزی می‌کردند، گونه و لبها نیز رنگ پریده بودند و به چهره حالت بیمارگونه می‌بخشیدند.) در اواسط قرن، بازیگران مرد با موهای بلندتر با فرقی در کنار سر و

سیلی کوچک و ریش بسیار ظریف، در صحنه ظاهر می‌گشتند. در اواخر قرن پتهای بزرگ سیل و گاه ریش را مورد استفاده قرار می‌دادند. در اواسط قرن، بازیگران زن چهره را تا حدودی طبیعی تر گریم می‌نمودند، لبها از حالت قلب مانند بیرون آمده و به شکل طبیعی ترسیم می‌شد موها را به شکل لوله‌های درشت یا ریز در اطراف سر با گلهای مصنوعی و روبانهای رنگی تزیین می‌نمودند، همچنین بازیگران برای تغییر چهره‌ها از بینی مصنوعی با شکلهای متفاوت، صورتکهای نیمه و سراسری به شکلهای عجیب و غریب و کلاه گیسهای رنگی به اندازه‌های مختلف، پوسته‌های طاسی سر، نیمه و کامل استفاده می‌کردند.

۱۳ - قرن بیستم: در این قرن به واسطه استفاده از برق در صحنه تحولی در گریم بوجود آمد در اوایل قرن، مابین دو جنگ جهانی، مانند گذشته بازیگران بر چهره گریمی بدون تکنیک انجام می‌دادند. بازیگر زن برای گریمی ساده چهره را صورتی کم رنگ، چشمها را سیاه و تا حدودی به حالت گرد، ابروان را هلالی بسیار نازک با انتهای افتاده و لبها را کوچک ترسیم می‌نمود و با رنگ گونه قرمز روشن یا صورتی تیره گونه‌ها را رنگ می‌کرد و با رنگ لب قرمز تیره لبها را رنگ آمیزی می‌نمود. کمی بعد با رنگهای براق پشت چشم را شفاف می‌ساخت و موها را کوتاه تا روی گوش، با فرقی در کنار سر آرایش می‌کردند. با رنگ گونه قرمز و رنگ لب زرشکی لبها را رنگ آمیزی می‌نمودند. موها را گاهی به شکل خوابیده

نمایشها افزودند از میان این نویسندگان آثار آشیل که عموماً بعنوان بنیانگذار تئاتر اروپا نامیده می‌شود و سوفوکل و اورپید که نمایشنامه‌هایی واقع‌گرایانه‌تر و مدرن‌تر از آن دو مسی نوشته، و از خدایان در نمایشنامه‌های انتقاد می‌کرده است و آریستوفان که نمایشهای کمدی می‌نوشته بیشتر شهرت یافته‌اند.

۲ - تئاتر قرون وسطی: مراسم عبادی کلیسای اوایل قرون وسطی بسیار به نمایش شباهت داشت، این مراسم در قرن دهم به صورت نمایشنامه‌های کوتاهی در آمد که روحانیون و پسران سرود خوان کلیسا آنها را اجرا می‌کردند. در قرن سیزدهم نمایشها از غنای بیشتری برخوردار شدند و محبوبیت فراوان یافتند بتدریج بسیاری از مضامین طنز به داستان‌های نمایشی افزوده شد که دیگر وجود آنها در مراسم عبادی کلیسای امکان‌پذیر نبود در پی آن، مقامات کلیسا امر به آن دادند که نمایشها از داخل کلیسا به خارج بروند و در حیاط آن انجام پذیرند. همزمان روحانیون نیز از شرکت در این نمایشها خودداری ورزیدند. از آن پس، سازماندهی نمایشها را اصناف به عهده گرفتند و آنچه را که به نمایش می‌گذاشتند سریال نمایشهای مذهبی می‌نامیدند. هر صنف، نمایش را که موضوع آن نزدیک و یا در تشابه با حیطة حرفه‌اش بود بر می‌گزید و آن را بر واکنهای سیار در نقطه‌های مختلف شهر اجرا می‌کرد، هر واکن پس از به پایان رسیدن نمایش خود، به سوی نقطه بعدی به راه می‌افتاد و نمایش خود را در آنجا اجرا می‌کرد، در

یا طبیعی آرایش می‌دادند. سیل و ریش و کلاه گیس به وفور استفاده می‌شد و شخصیت‌سازی بر چهره مانند گذشته انجام می‌گرفت و صورتک نیز به شکل نیمه و سراسری بر اساس سبک نمایش متداول بود. در این قرن از هر گریم نه تنها بر صحنه و سکوه‌های فیلمبرداری استفاده می‌شد بلکه این رشته در سازمانهای جاسوسی ممالک مختلف نیز مورد مطالعه و استفاده قرار گرفت. (۴)

تئاتر یونانی: ریشه در جشنواره‌های مذهبی داشته، جشنواره‌هایی که برای بزرگداشت دیونیوس (خدای شراب و باروری) برگزار می‌شد و با رقص و آواز همراه بود.

مبحث ۵: انواع تئاتر

۱ - تئاتر یونانی: ریشه در جشنواره‌های مذهبی داشته، جشنواره‌هایی که برای بزرگداشت دیونیوس (خدای شراب و باروری) برگزار می‌شد و با رقص و آواز همراه بود، بتدریج این داستانها جای خود را به سرگذشت قهرمانان و خدایان دیگر سپردند و آواز تکخوانی نیز به آن اضافه شد که سرآهنگ آنرا یا صدای موزون می‌خواند، این تک خوانی‌ها به بیان و تفسیر جنبه‌های مذهبی و اخلاقی داستان می‌پرداختند، خشونت و مرگ همواره بیرون از صحنه روی می‌داد و بصورت خبر یک پیک به اطلاع تماشاگران می‌رسید، بعدها نمایشنامه‌نویسان مختلف شخصیت‌های دیگری به

صورتی که تماشاگری در یک نقطه می‌ماند، موفق می‌شد نظاره‌گر نمایشی کامل و نظم یافته از داستانهای کتاب مقدس باشد که هر صحنه آن بر واکنی و توسط صنفی ویژه به اجرا در می‌آمد و بدین ترتیب نخستین شکل تئاتر خیابانی پدید آمد، در آن دوران متن‌های نمایش وجود داشته است.

تئاتر قرون وسطی: مراسم عبادی کلیسای اوایل قرون وسطی بسیار به نمایش شباهت داشت، این مراسم در قرن دهم به صورت نمایشنامه‌های کوتاهی در آمد که روحانیون و پسران سرود خوان کلیسا آنها را اجرا می‌کردند.

۳ - تئاتر شکسپیری: بازوال یافتن نمایشهای صنفی و گسترش گروه‌های حرفه‌ای سیار، پدید آمدن شکل‌های تازه‌ای از تماشاخانه‌ها ضرورت یافت. بازیگرهای آواره این گروه‌ها نمایشهای خود را اغلب در حیاط کاروانسراها اجرا می‌کردند، تماشاخانه‌های این دوران سه سویه بودند و معمولاً بدون دکور یا فقط با ملزوماتی ساده و اغلب به یاری لباس، محل رویداد بیان می‌گردید.

۴ - تئاتر ویکتوریایی: پس از بازگشت نظام سلطنتی به انگلستان، تماشاخانه‌ها دارای سقف شدند و ابعادی کوچکتر یافتند. در عصر سلطنت ملکه ویکتوریا مجدداً تماشاخانه‌ها بزرگ و صحنه و سالن کاملاً از

یکدیگر جدا شدند. در تماشاخانه‌هایی با این وسعت که شنیدن صدای بازیگر مشکل شده و جزئیات بازیها از نظر دور می‌ماند، عناصر بصری نمایش اهمیت بیشتری می‌یابند. همراه با گرایش تئاتر به سوی هر چه تماشایی‌تر کردن صحنه، واقع‌گرایی نیز رشد می‌یابد و مطابقت تاریخی نمایشنامه و صحنه با رو آوردن به نمایشنامه‌های واقع‌گرایانه از اهمیت بسیار برخوردار گردید.

کاتاکالی: بازیگران همه مرد هستند و نقش شخصیت زن را نیز مردها ایفا می‌کنند. گریم چهره‌ها رنگی است - نوعی نمایش مذهبی در هند است، در این نوع نمایش با رنگ و روغن گیاهی بر چهره بازیگر گریمی به شکل صورتک که بیانگر شخصیتی در نمایش است، کار می‌شود.

۵ - تئاتر شرق: الف - کاتاکالی ب - تئاتر چین ج - تئاتر نو ژاپن د - تئاتر کابوکی ه - تئاتر ایران
الف - کاتاکالی: بازیگران همه مرد هستند و نقش شخصیت زن را نیز مردها ایفا می‌کنند. گریم چهره‌ها رنگی است - نوعی نمایش مذهبی در هند است، در این نوع نمایش با رنگ و روغن گیاهی بر چهره بازیگر گریمی به شکل صورتک که بیانگر شخصیتی در نمایش است، کار می‌شود. گریم بر روی این چهره‌ها مستلزم صرف وقت و فراغت بسیار است. انتخاب رنگ و

کاربرد آن بر روی عضلات و چهره برای نشان دادن میمیک از کارهای بسیار ظریف است که با دقت انجام می پذیرد و ساعتها وقت می گیرد. بیش از شصت نوع گریم چهره در این سبک تشاتر وجود دارد. رنگها از عصاره گیاهان و چسب چهره نیز از گیاهان است. برای حجم دادن و بزرگتر نشان دادن چهره بازیگران از کاغذهای مخصوص ظریف و نازکی برای اطراف چهره استفاده می کنند، بدین شکل که پیش از شروع گریم کاغذ مخصوص را با برشی از بالای استخوان گونه و فک تا زیر لب روی چانه با چسب گیاهی بر چهره می چسبانند، سپس چهره را رنگ آمیزی می نمایند. رنگ معرف شخصیت و تمثیلی است. از رنگ سبز زمینه، زرد و صورتی کمرنگ برای رنگ زمینه چهره استفاده می شود.

تئاتر نو ژاپن: در این نمایش شخصیتها را موجودات ماوراءالطبیعه و زمینی تشکیل می دهند. بازیگران همیشه مرد هستند و نقش زن را مرد ایفا می کند و بازیگران از صورتک و کلاه گیس استفاده می کنند.

رنگ سبز زمینه همراه با خطوطی طلایی و قرمز، ابروان و اطراف چشمها با خطوط سیاه غلو شده خاص شخصیت مرد مثبت است. رنگ زمینه زرد، خاص زنان و شخصیتهای عادی و رنگ زمینه صورتی خاص خدایان است. ریشها نیز از نظر رنگ گوناگون و خاص شخصیتهای مختلف است. ریش سفید خاص خدایان،

ریش قرمز خاص شخصیت دیو صفتان، ریش سیاه خاص شخصیتهای عادی و سیل دراز خاص شخصیت منفی است، گاهی ناخنهای انگشتان دست را نیز رنگ آمیزی می کنند.

ب - تئاتر چین: در این نوع نمایش، لباس و گریم از اهمیتی خاص برخوردار است. گریم چهره نیز رنگی و به شکل صورتک کار می شود گاهی از صورتکهای نیمه استفاده می شود. رنگها نقش حساسی به عهده دارند زیرا رنگها شخصیت بازیگر را برای تماشاگر بیان می کنند، به دلیل اهمیت میمیک چشمها در این نوع نمایش، این قسمت از چهره بیشتر گریم می شود.

برای نقش مردان، اغلب قسمت تحتانی چهره بوسیله ریش پوشانده می شود. ریش از جنس نخهای ابریشم رنگی است.

در این نوع از گریم، چه نقش زن و چه مرد جوان، چهره را سفید کرده و روی پلکها و گونهها را با رنگ قرمز رنگ آمیزی می کنند. روی پیشانی، چانه و اطراف چهره رنگ پریده و در بازیگران زن برای اطراف چشمها نیز از رنگ قرمز استفاده می شود. چشمها و ابروان با رنگ سیاه و لبها با رنگ قرمز شاد رنگ آمیزی می شود. مرد بازیگر لبهای کم رنگتر دارد. زنان پیر، مردان میان سال و پیر از رنگ پوست طبیعی استفاده می کنند و برای آنان رنگ قرمز مصرف نمی شود. ابروان و چشمها نیز طبیعی گریم می شود. برای مردان جوان، انتهای ابروان کشیده می شود و یک علامت قرمز در

وسط ابروان نشان دهنده آن است که شخص طالب جنگ است. این گریم با اضافه کردن رنگ قرمز به اطراف چشمها شخصیت جنگجو محسوب می شود.

ج - تئاتر نو ژاپن: در این نمایش شخصیتها را موجودات ماوراءالطبیعه و زمینی تشکیل می دهند. بازیگران همیشه مرد هستند و نقش زن را مرد ایفا می کند و بازیگران از صورتک و کلاه گیس استفاده می کنند.

د - تئاتر کابوکی: رنگ و خطوط خاص هر گریم بیانگر شخصیتی است. چهره سفید با خطوط رنگ قرمز با موی سیاه بلند خاص شخصیت قهرمان، چهره بنفش کم رنگ با خطوط بنفش پر رنگ یا زرشکی و یا ریش انبوه و موی کوتاه سفید خاص شخصیت منفی، چهره سفید با ابروانی با فاصله از چشمها و لبهای کوچک قرمز خاص بازیگر زن و چهره به رنگ طبیعی با کلاه گیس نیم طاس خاص اوباش است.

دوران اشکانیان: در دوران این سلسله است که به نقش نیم برجسته چند صورتک که مایه یونانی دارد بر می خوریم. این نقش بر بازمانده کاخ اشکانیان در الحضر شهری که در نزدیکی موصل است قرار دارد.

ه - تئاتر ایران:

۱ - دوران صفویه: در این دوران در نمایشها از گریم و صورتک استفاده می شد. در کتاب هفت تپه آمده است که مجسمه سر یک پادشاه ایلامی و یک صورتک

شبه آن در جوار ساختمان زیگورات کشف گردیده که در طرفین صورتک سوراخهایی برای قرار دادن آن بر روی چهره تمبیه گردیده است. حالت و سیمای این صورتک و خصوصیات و اجزای چهره شباهت زیادی با سر مجسمه پادشاه ایلامی دارد. قدمت این نقش چهره به اواسط هزاره دوم پیش از میلاد می رود و امکان دارد از این صورتک در مراسم یا در نمایشی به عنوان شبهه سازی از چهره پادشاه استفاده می شده است.

۲ - دوران هخامنشی: از وجود نمایش نشانه ای در دست نمی باشد.

۳ - دوران اشکانیان: در دوران این سلسله است که به نقش نیم برجسته چند صورتک که مایه یونانی دارد بر می خوریم. این نقش بر بازمانده کاخ اشکانیان در الحضر شهری که در نزدیکی موصل است قرار دارد.

۴ - دوران ساسانیان: هنر تئاتر مطرح می گردد. پس از ظهور دین مبین اسلام در زمان حکومت آل بویه اساس و پیدایش نوعی نمایش مذهبی بنام تعزیه فراهم گردید و در این نوع نمایش تا حدودی از گریم و صورتک استفاده می شد، به خصوص در تعزیه های مضحک مالیدن گل بر سر و صورت نشانه عزاداری بود. چهره غلام حبشی حضرت علی علیه السلام را به رنگ سیاه، چهره شیطان را به رنگ قرمز رنگ آمیزی می کردند.

چهره مالک دوزخ، پادشاه و خبیثان و اجنه غیر عادی و خال دار بود. برای زخمی شدن رنگ قرمز بکار گرفته می شد. برای نشان دادن دو شیر حضرت علی علیه السلام از

صورتک با پوشش سراسری استفاده می‌گردید. شخصیت دیو صورتک بر چهره می‌نهاد. امروزه نوعی تعزیه بر صحنه تئاتر اجرا می‌شود که چهره شبیه‌خوانان و مخالف خوانان گریم می‌شود و گریم آن از تابلوهای قهوه‌خانه‌ای الهام گرفته شده است.

دوران صفویه: در تعزیه و به خصوص نمایشهای شادی‌آور بعضی از شخصیتها از گریم و صورتک استفاده می‌کردند.

۵ - دوران صفویه: در تعزیه و به خصوص نمایشهای شادی‌آور بعضی از شخصیتها از گریم و صورتک استفاده می‌کردند، از جمله گولک با گذاردن صورتک بر چهره و پوشش رنگارنگ خود را مانند دیو می‌آراسته، در کچلک بازی نمایشی که بازیگرانش را شخصیت مسخره و لوطی‌های کچل تشکیل می‌دادند، برای گریم از آرد برای سفید کردن چهره و پشم برای ریش و سبیل استفاده می‌کردند. در نمایشهای شادی‌آور نقش زنان را نوجوانان پسر به عهده داشتند، از این رو آنان برای تغییر چهره آرد یا سفیدآب روی به چهره می‌مالیدند. گونه و لبها را قرمز می‌کردند و چشمها و ابروها را سرمه می‌کشیدند و کلاه گیس زنانه بر سر می‌نهادند.

۶ - قاجاریه: بوجود آمدن تئاتر روحوسی که در آن از گریم خاص چهره و صورتک استفاده می‌شد، بازیگران بر چهره آرد می‌مالیدند و گونه‌ها را با رنگ

قرمز رنگ آمیزی می‌کردند. شخصیت پیر با مالیدن آرد بر مو و گذاردن ریش و سبیل از پشم بز و گوسفند و یا پنبه بر چهره ظاهر می‌شد، شخصیت سیاه یا سوخته چوب پنبه یا پوست درخت چهره را سیاه می‌نمود و یا دوده را با زرده تخم مرغ مخلوط کرده بر چهره می‌مالید. نوجوانانی که نقش زنان را ارائه می‌کردند بر چهره آرد می‌مالیدند و چشمها را سرمه می‌کشیدند و لبها را قرمز می‌نمودند. در بعضی از شهرستانها به جای گریم از صورتک با نقش زن استفاده می‌کردند.



۷- گریم در اوایل دوره حاضر: بازیگران، گریم

چهره را مانند گذشته با مواد ابتدایی انجام می‌دادند. با وارد شدن لوازم آرایش، از این وسایل برای گریم استفاده کردند و از موهای طبیعی کلاه گیس درست نمودند. با نفوذ تئاتر غرب و اجرای نمایش به سبکهای مختلف تحولی در گریم تئاتر ایران پدید آمد و از شخصیت‌سازی و شبیه‌سازی بر چهره بازیگر استفاده شد.

۸- گریم در مراسم سنتی و آیینی در ایران: در

طول تاریخ در ایران به مراسمی بر می‌خوریم که اغلب جنبه نمایشی داشته و در این نمایشها از گریم با صورتک استفاده می‌شود یکی از مراسم سنتی ایران کوسه بر نشستن یا کوسه گردی نام دارد که ریشه آن را در دوران ساسانی یا پیش از این خاندان می‌توان یافت. نقش اصلی این مراسم را (کوسه) که شخصیتی پیام‌آور نوروز، شادی، بهار و زندگی دوباره است به عهده دارد و مردم قدم او را پرشگون می‌دانستند این مراسم طی زمان تغییراتی نموده و امروزه در بعضی از نقاط ایران با نامهای گوناگون مانند: کوسه، کوسا، کوسا چوپانان، کوسه گلین، کوسه گندی... اجرا می‌گردد، اجرا کنندگان این مراسم کوسه، زن کوسه و همراهان می‌باشند. تعداد همراهان در اغلب نقاط متفاوت است. در بعضی از نقاط دو کوسه و یا دو زن کوسه مشاهده می‌گردد، در این نمایش از گریم یا صورتک استفاده می‌شود مراسم کوسه گردی در گذشته از روز چهل و یکم زمستان آغاز می‌شود، اجرای مراسم

توأم با رقص و آواز است و همیشه همراه با سازچی می‌باشد.

الف - مراسم کوسا گلین یا آق کوسا در خرم دره که از اواخر زمستان آغاز می‌شود، گردانندگان و اجرا کنندگان مراسم عبارتند از: آق کوسا (کوسه سفید)، قارا کوسا (کوسه سیاه) صنم (عروس)، دول چالان (دهل زن)، تورباش (توبره کش). آق کوسا کلاهی از پوست بز سفید بر سر می‌گذارد، از یال اسب یا پشم یک سبیل کلفت درست می‌کند، قارا کوسا کلاهی از پوست بز سیاه که سه سوراخ برای دهان و چشمها بر روی آن تعبیه شده بر سر می‌کشد، صنم پسری است نوجوان که یک روبند به چهره می‌زند.

مراسم کوسا گلین یا آق کوسا در خرم

دره که از اواخر زمستان آغاز می‌شود.

گردانندگان و اجرا کنندگان مراسم

عبارتند از: آق کوسا (کوسه سفید)،

قارا کوسا (کوسه سیاه) صنم (عروس)،

دول چالان (دهل زن)، تورباش

(توبره کش).

ب - کوسه در کیوی خلخال: چوپانی عروس می‌شود و او را همچون عروسی می‌آریند و یک پارچه نازک یا تور بر روی چهره او می‌کشند. کوسه کلاهی از پوست بز یا نمذ بر سر می‌گذارد که تا گردن او را می‌پوشاند و روی این کلاه دو تا شاخ می‌گذارد و دو سوراخ برای چشمها بر روی آن تعبیه می‌کند.

ج - در تکاب چهره کوسه از زیر کلاه پیدا است لذا از یک ریش بلند از جنس پشم سفید و به جای شاخ از دو تا جارو که به دو طرف ریش می بندد استفاده می کنند.

د - کوسه ناقالدهی در اراک: کوسه به چهره آرد می مالده، یک پوست بزغاله بر سر می کشد که فقط جای نفس کشیدن و حرف زدن و روزنه ای برای دیدن دارد به این سرپوش زنگوله ای می دوزد تا در موقع حرکت کردن صدا کند مقداری بوته صحرایی یا ریسمان و طناب به کله خود می بندد چنانکه دو تا شاخ در آورده است. عروس نوجوانی است که چادر به سر می کند و به لبها و گونه خود سرخاب می مالده و چشمها را سرمه می کشد. دو همراه هر کدام دو شاخ بر سرشان می بندد و «تکه» نامیده می شوند.

ه - کوسه چوپانهای همدان: کوسه اغلب همراه دو عروس است. کوسه کلاه نمدهی به طول نیم قد بر سر دارد که سر و گردنش را می پوشاند. دو شاخ از جارو و دو پر مثل شاخ رو به بالا با یک قاب آینه کوچک و سه سوراخ برای دیدن و نفس کشیدن روی کلاه وجود دارد. بعضی به جای کلاه یک صورتک پوستی بر چهره می گذارند.

و - کوسه در حیدره همدان: کوسه کلاهی بر سر می گذارد که تا سر شانهاش می رسد. ابرو و ریش مصنوعی می گذارد و یک بینی از جنس نمدهی برای خودش درست می کند و دو شاخ هم از جنس چوب جارو می گذارد.

ز - کوسه گلدهی در ملایر: کوسه کلاهی بوقی می گذارد که دم آن به نیم متر می رسد. زنگی هم به نوک آن آویزان می کند و همچنین تعدادی زنگوله و پولکهای رنگارنگ نیز بر آن دوخته است.

ح - کوسه در شورین: کوسه کلاهی نمدهی می گذارد و دور آن را دستمال می بندد با دو شاخ از جارو و درست وسط کلاه دم روباهی متصل می کند.

ط - کوسه در الویر ساوه: کوسه پیرمردی فقیر است که ریش و صورت خود را سیاه می کند و کلاه نمدهی بر سر می گذارد و یک جارو به پیشانی خود می بندد که قسمت پهن آن مانند تاج رو به بالا است.

از دیگر مراسم سنتی در ایران مراسم عروس گولی است که در آبادی های مختلف گیلان برگزار می شود. این نمایش هم چند روز به نوروز مانده بوسیله تعدادی از مردان و نوجوانان انجام می گیرد که چهار الی پنج روز طول می کشد.

ب - از دیگر مراسم سنتی در ایران مراسم عروس گولی است که در آبادی های مختلف گیلان برگزار می شود. این نمایش هم چند روز به نوروز مانده بوسیله تعدادی از مردان و نوجوانان انجام می گیرد که چهار الی پنج روز طول می کشد. بازیگران این مراسم پیر بابو، پیر غول، عروس و همراهان هستند. عروس پسر جوانی است که چهره او را مانند نوعروسان آرایش می کنند. پیر

غول چهره‌اش را با دوده سیاه می‌کند ریش سیاه و انبوهی بر چهره می‌بندد کلاهی مقوایی یا پوستی و بد هیبت بر سر می‌گذارد، پیر بابو هم مانند پیر غول خود را می‌آراید. تنها به جای ریش سیاه از ریش سفید استفاده می‌کند. همراهان هم چهره خود را سیاه می‌کنند تا ناشناخته بمانند.

ج - مراسم طلب باران: در لرستان مراسم طلب باران با شرکت افرادی که هر یک دو عدد چوب‌دستی کوتاه در دست دارند و زنی که صورتکی بر چهره نهاده و کاسه‌ای آب به دست دارد انجام می‌گیرد. افراد هنگام خواندن آواز طلب باران چوبها را به هم می‌زنند و زن با انگشتان خود بر چهره و سر آنها آب می‌پاشد.

د - روستای نی‌ریز صورت کودکی را با دوده سیاه می‌کنند و به گردن او زنگوله می‌آویزند و به در خانه‌ها می‌روند.

د - روستاهای خراسان بچه‌ها، بچه‌ای را با پوست بز یا گوسفند به شکل رویاه در می‌آورند و دم برای او می‌گذارند و به در خانه‌ها می‌روند.

د - دو شخصیت سنتی: حاجی فیروز و عمو نوروز دو شخصیت سنتی ایرانی هستند. می‌توان ریشه این دو شخصیت را در نوروزی خوان یا میر نوروزی و سپس دلقکان دوره صفویه یافت. حاجی فیروز و عمو نوروز معمولاً از پانزده روز به عید نوروز در کوچه و خیابان نمایان می‌شوند و با خواندن و رقصیدن پیام آور بهار و عید هستند. این دو شخصیت از گریم استفاده می‌کنند،

حاجی فیروز چهره را با دوده یا چوب پنبه سوخته می‌کند. بر سر کلاه رنگی مسخره می‌گذارد و لباسهای رنگارنگ زنانه می‌پوشد. عمو نوروز تا حدودی شبیه پاپائوئل مسیحیان است، پیرمردی با مو و ریش بلند خنایی که عصایی در دست دارد. (۵)

گریم در این سبک کلاسیک براساس هماهنگی کامل رنگ‌آمیزی، لباس و دکور انجام می‌شود و عمل تصحیح چهره برای بعضی از شخصیتها به غیر از شخصیتهای منفی و نامتعادل به کار گرفته می‌شود.

مبحث ۶: سبکهای هنری و گریم

۱ - کلاسیک: آنچه به نام کلاسیک مطرح می‌باشد آن چیزی است که از گذشته به ما رسیده در این سبک مظاهر خوبی، راستی، دانایی، شجاعت، مهربانی و نجابت همواره بر جهل، خیانت، پستی، دروغ و تزویر پیروز می‌شود. گریم در این سبک براساس هماهنگی کامل رنگ‌آمیزی، لباس و دکور انجام می‌شود و عمل تصحیح چهره برای بعضی از شخصیتها به غیر از شخصیتهای منفی و نامتعادل به کار گرفته می‌شود، حجمهای چهره و سایه روشنهای آن با هماهنگی نور مشخص کار می‌شود و از تکنیک تکه‌سازی اعضای چهره به میزان قابل توجهی استفاده می‌شود.

اصول مکتب کلاسیک عبارت است از:

الف - تقلید از طبیعت: یعنی انتخاب هر چیز

خوب یا بد در طبیعت، به نحوی که مطابق با حقیقت و واقعیت باشد، البته با دیدی هنرمندانه.

ب - تقلید از قدما: بیشتر، منظور آثار گذشتگان یونان و روم باستان است؛ یعنی در واقع رسیدن به پالایش ادبی، فرهنگی و هنری آنها.

ج - اصل پیروی از عقل، یعنی اگر بخواهیم یک اثر هنری به وجود آوریم و با نمایش آن به تماشاگر به منظور خود دست یابیم، می‌بایست در هنگام آفرینش اثر، قبل از هر چیز عقل را مدنظر داشته باشیم.

د - اصل آموزنده و خوشایند بودن.

ه - اصل وضوح و ایجاز، یعنی اثر علی‌رغم زیبایی نباید پرگویی داشته باشد.

و - اصل حقیقت‌نمایی و واقعیت‌نمایی.

ز - اصل نواکت و هارمونی کلام، یعنی پرهیز از کلام بد و ناخوشایند.

ک - اصل رعایت وحدتهای سه‌گانه زمان - مکان - موضوع و لحن.

۲ - سبک روماتیک: در این سبک حوادث و تضادهای زندگی بشری همراه با تفکرات و تخیلات آدمی ارائه می‌شود و اغلب، بیان احساسات و ارائه حالات شاعرانه قسمت مهمی از ترکیب مطلب و وقایع ارائه شده می‌باشد. در این سبک عظمت و نکبت، والایی و پستی، غم و شادی بطور همبسته در جریان وقایع عرضه می‌گردد. گریم در این سبک همانند گریم کلاسیک ولی کمی رقیق‌تر بکار می‌رود. اصول مکتب

روماتیک عبارتند از:

الف - آزادی: یعنی به هنرمند اجازه همه‌گونه فعالیت ذهنی و تخیلی را می‌دهد.

ب - اصل پرداخت شخصیت: یعنی روماتیکها معتقدند که برخلاف مکتب کلاسیک باید قهرمانان از میان مردم عادی باشند و نه از برگزیدگان زیرا مردم عادی زبان‌گویای جامعه روز هستند.

سبک ناتورئالیست، این سبک را می‌توان جزئی از سبک رئالیست به

شمار آورد و شاید بهتر باشد آنرا مکمل

سبک رئالیست به حساب آورد. در سبک رئالیستی جنبه‌های خوب و طبیعت و

انسان با خصوصیاتش نشان داده

می‌شود، در حالی که در سبک

ناتورئالیستی وقایع زندگی با تمام

جزئیات، زشتی‌ها و زیبایی‌ها و بدون

آنچه چیزی یا نکته‌ای از آن کاسته شود. عرضه می‌گردد.

ج - هیجان و شخصیت: روماتیکها معتقدند باید به عواطف و هیجانات بشری میدان بیشتری برای فعالیت داد چرا که هنر حاصل عواطف و هیجانات بشری است.

د - اصل گریز (یا سیاحت): هنرمندان روماتیک معتقدند که دنیای موجود دنیای خوب و کاملی نیست و باید از آن گریخت و با ابزار تخیل دست به سفر

جغرافیایی و تاریخی یا سفر از زمان موجود زد.

ه - اصل کشف و شهود: مبتنی بر کمال‌گرایی آیین مسیحیت و یک اصل مذهبی است. براساس این اصل باید از شناخته‌ها گذر کرد و به ناشناخته‌ها رسید.

اصول مکتب رومانتيک عبارتند از: الف - آزادی یعنی به هنرمند اجازه همه گونه فعالیت ذهنی و تخیلی را می‌دهد. ب - اصل پرداخت شخصیت، یعنی رومانتيکها معتقدند که برخلاف مکتب کلاسیک باید قهرمانان از میان مردم عادی باشند و نه از برگزیدگان زیرا مردم عادی زبان گویای جامعه روز هستند. ج - هیجان و شخصیت: رومانتيکها معتقدند باید به عواطف و هیجانات بشری میدان بیشتری برای فعالیت داد. د - اصل گریز (یا سیاحت)، هنرمندان رومانتيک معتقدند که دنیای موجود دنیای خوب و کاملی نیست و باید از آن گریخت. ه - اصل کشف و شهود. و - افسون سخن.

و - افسون سخن: استفاده و ارزش‌گذاری بیشتر بر کلمات و اجازه جریان یافتن کلام در هنر.

۳ - سبک رئالیست: در این سبک واقعیت‌گرایی و ارائه واقعیت‌های زندگی اهمیت اساسی یافته است. به عبارتی زشتی‌ها و زیبایی‌های زندگی فردی و اجتماعی را

آنطور که هست عرضه می‌نمایند. در این سبک همیشه پیروزی با خوبی‌ها نیست، بلکه همانند وقایع زندگی گاه آنچه دلخواه و مورد تأیید تماشاگر نیست موفق می‌گردد. رئالیسم انواع مختلفی دارد:

الف - رئالیسم ابتدایی (نخستین): آثار اولیه مکتب رئالیسم که هنوز اثری از رومانتيسم در آنها هست. ب - رئالیسم انتقادی: اساساً سیاسی است و بر ضد جریان‌ات حاکم (سیاسی - اجتماعی و...) می‌باشد. تشریح شرایط موجود، به نوعی ایده‌آلیسم انقلابی نوید داده می‌شود. شاخص‌هایی از این سبک را می‌توان در روسیه دید.

ج - رئالیسم ژورنالیستی (خبری).

د - رئالیسم سوسیالیستی: با توجه به اصول مکتب رئالیسم و نوع پیش‌مارکسیسم - لنینیسم است که هنر را اساساً منبعث از فعالیت‌های فیزیکی می‌دانند و در این مکتب فعالیت ذهنی مورد پذیرش نیست.

ه - رئالیسم جادویی: تحت تأثیر جریان سیال ذهن و فعالیت‌های ذهنی انسان بوجود آمده است.

۴ - سبک ناتورالیست: این سبک را می‌توان جزئی از سبک رئالیست به شمار آورد و شاید بهتر باشد آنرا مکمل سبک رئالیست به حساب آورد. در سبک رئالیستی جنبه‌های خوب و طبیعت و انسان با خصوصیاتش نشان داده می‌شود، در حالی که در سبک ناتورالیستی وقایع زندگی با تمام جزئیات، زشتی‌ها و زیبایی‌ها و بدون آنچه چیزی یا نکته‌ای از آن کاست

شود. عرضه می‌گردد. طرفداران این سبک معتقد به تشریح و تعریف جزء به جزء عناصر هستند. در این سبک فرضیه لوکا که مسئله وراثت را عنوان می‌کند مطرح است. لوکا معتقد است که اگر امروز انسانی کاری را انجام می‌دهد به دلیل این است که از طریق ژنتیکی به انسان رسیده است. در این سبک از زبان محاوره‌ای نیز استفاده می‌شود، زیرا طرفداران این مکتب معتقدند مثلاً اگر از کارگری صحبت می‌کنیم که با کارگر دیگر در حال صحبت است احمقانه است که از کلمات فاخر استفاده کنیم.

سبک سمبولیست، در این سبک از سمبلها و نشانه‌هایی برای ارائه احساسات و شخصیتها استفاده می‌شود. اغلب در این سبک صحبت از سرزمینهای خیالی و مجهول از زمانهای نامعلوم و مکانهای اسرارآمیز است.

۵ - سبک دراماتیک: که در واقع ترکیبی از دو سبک قبل می‌باشد. در این سبک احوال فردی در ارتباط با مجامع و افراد دیگر با دقتی خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد و به تماشاگر ارائه می‌شود. در این سبک خانواده و فرد و ارتباط آنان با یکدیگر اهمیت خاصی یافته است.

● در سه سبک فوق، گریم با هماهنگی رنگ، لباس و دکور انجام می‌شود. برای شخصیت‌های مثبت عمل تصحیح به کار می‌رود. سایه روشن‌ها نسبتاً رقیق به کار

می‌رود و کاملاً با هم آمیخته می‌شود، حجمهای چهره با هماهنگی نور صحنه مشخص و کاملاً طبیعی انجام می‌شود. گریم شخصیتها باید تا حد امکان واقع‌بینانه و طبیعی ارائه شود.

۶ - سبک اکسپرسیونیست: در این سبک طریقه‌ای خاص برای بیان احساسات وجود دارد. این سبک دارای زبان طنزآمیز است، اندیشه‌های بشری و وقایع زندگی با ملاحظت خاصی ارائه می‌شوند، تئاتر میم از انواع تئاتر اکسپرسیونیست است. درام‌نویس در این نوع تئاتر به جای استفاده از کلام به تشریح حالات و واقعیات با میمیک چهره و حرکات می‌پردازد. در این سبک از رنگهای گوناگونی استفاده می‌شود و گریم آن با مسایل خاصی روبروست رنگ زمینه چهره بسیار روشن است و حتی در تئاتر میم متمایل به سفید یا صورتی کم‌رنگ می‌باشد.

۷ - سبک سمبولیست: در این سبک از سمبلها و نشانه‌هایی برای ارائه احساسات و شخصیتها استفاده می‌شود. اغلب در این سبک صحبت از سرزمینهای خیالی و مجهول از زمانهای نامعلوم و مکانهای اسرارآمیز است. در این سبک اشکال و سمبلها و آهنگها بیشتر متأثر از احساسات می‌باشد و سعی بر این است که واقعیتهای عینی از طریق غیر مستقیم با کمک گرفتن از واقعیت ذهنی بیان و ارائه شود. گریم این سبک با هماهنگی کامل بین رنگ و لباس و دکور انجام می‌شود. رنگ زمینه چهره بازیگران کم‌رنگ و گاهی رنگ پریده انتخاب می‌شود. سایه روشن و حجمهای

چهره با هماهنگی نور رقیق کار می‌شود. در این سبک از تکه‌سازی و یا گریم ماسک (سمبلی به صورت ماسک بر چهره بازیگر) رنگ آمیزی می‌شود.

۸ - سبک سوررئالیست: در این سبک هدفی عمیق‌تر از نمایش واقعیات زندگی یا ارائه احساسات و تسمایلات درونی آدمی وجود دارد و سعی می‌شود واقعیاتی فراتر از زندگی روشن گردد، از این رو با رویاهایی عجیب و غریب سر و کار دارد. گریم این سبک بیشتر بصورت گریم ماسک است و استفاده از کلاه گیس و ریش و سیلهای رنگی و گریمهای عجیب و غریب متداول است. این سبک برای طراحی گریم زمینه بسیار وسیعی دارد. ■ (۶)

(۴) گریم برای تئاتر دکتر مهین میهنی
تاریخ نمایش در جهان جمشید ملک پور
تاریخ تئاتر جهان اسکار براکت

(۵) گریم برای صحنه، فیلیپ پرفت
نمایش ژاپنی زنده هزار ساله، سولاژیرنی
تاریخ نمایش در جهان، جمشید ملک پور
گریم برای تئاتر، دکتر مهین میهنی

نمایش در ایران، بهرام بیضایی
جشنها، آداب و معتقدات، ابوالقاسم انجوی شیرازی

(۶) گریم برای تئاتر، دکتر مهین میهنی
گریم برای صحنه، فیلیپ پروت
تاریخ نمایش در جهان، جمشید ملک پور

- Make up for theatre, film and T.V

LBB BAYGAN.

پی‌نوشت‌ها:

(۱) در این مبحث از منابع زیر استفاده شده است:

گریم برای تئاتر، نوشته دکتر مهین میهنی.

دایرةالمعارف سینمایی (فرهنگ اصطلاحات سینمایی)

جزوات چهره‌پردازی (حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی)

(۲) گریم برای تئاتر دکتر مهین میهنی

نمایش در ایران بهرام بیضایی

- Make up for theatre, film and T.V

LBB BAYGAN.

(۳) دایرةالمعارف سینمایی (فرهنگ اصطلاحات سینمایی)

گریم برای تئاتر دکتر مهین میهنی

گریم برای صحنه فیلیپ پروت